

خصوصی برای ایرانیان خارج از کشور

(قسمت اول)

امیرفیض- حقوقدان

تحریر حاضر شاید بتواند نکبت و خفت بزرگی که آهسته، آهسته بر ما ایرانیان خارج از کشور تحمیل شده و میشود را بازگو کند تا شاید هشیار و مقاوم باشیم.

وضع ما شده همانند گله بزرگی از گوسفندان که بعلت نداشتن صاحب و دلسوز رها شده ایم و گرگان مترصد، دسته، دسته از آن گوسفندان بلاصاحب را جمع میکنند و یک مارک تعلق به خودشان بر آنان میزنند و آنها را میفروشند و یا بقتلگاه تقدیم قصابان میکنند، و همانطور که برای گردآوری گوسفندان پراکنده از دسته علف استفاده میشود این راهزنان سیاسی هم از عبارات خاص از قبیل «دمکراسی»، «آزادی» و «انتخابات آزاد» و گاه و بیشتر «همبستگی» استفاده میکنند.

شاه خفته است و فتنه بیدار چشم دولت ز شاه خفته مدار

مقصد واقعی همبستگی

اسناد مبارزه نشان میدهد که واژه «همبستگی»، قدیمی ترین واژه سیاسی است که در فرهنگ سیاسی ایرانیان خارج از کشور وارد شده است و برای اولین بار شعار جبهه نجات دکترا مینی شد.

درک ایرانیان خارج از کشور از شعار همبستگی، همبستگی ایرانیان بود، دعوت همبستگی ایرانیان، دعوت بی موضوعی بود و هست؛ زیرا هرملتی بطور طبیعی همبسته هست و عوامل همبستگی که فرهنگ و زبان و ملیت و کشور و امثال آنهاست ملات تاریخی همبستگی و وحدت ملتهاست و ملت ایران از این ملات طبیعی خارج نبود و نیست.

در مقابل شعار **همبستگی** بارها این سنوال مطرح شد که همبستگی باکی و برای چه؟ و هرگز به این سوال پاسخی داده نشد.

ناظرید که شعار همبستگی که بعدا شعار دکانداران سیاسی شد، به هیچوجه جامه عمل بخود نگرفت و حتی اعلیحضرت هم در مصاحبه با فیگارو به عدم موفقیت در ایجاد همبستگی اشاره کردند و یک روزنامه آمریکائی هم نوشت: «رضایپهلوی ۲۰ سال است مردم را به همبستگی دعوت میکند و توفیقی نیافته است».

علت این عدم موفقیت در این است که همبستگی مورد توجه دکانداران سیاسی با همبستگی واقعی متفاوت است؛ و دکانداران سیاسی از بکار بردن واژه همبستگی، مطلوب و قصد دیگری داشتند. که با همبستگی واقعی که همان هویت ایرانی بودن است نمیخواند، و دکانداران سیاسی نیز چون به تفاوت مزبور آگاه بودند مقصود و غرض همبستگی را پنهان میکردند.

همبستگی مورد توجه دکانداران ودلالان سیاسی، وابستگی ایرانیان به افرادی است که خود آن افراد وابسته به بیگانگان هستند یعنی آنها واسطه هستند که ایرانیان رابه خدمت منافع بیگانگان درآورند ودرعبارتی روان تر؛ دکانداران سیاسی طوراندازان ماهری هستند که ایرانیان را با طور همبستگی در خدمت بیگانه قرارمیدهند.

تا درزمینه سازی اهداف سیاسی که بیگانگان درایران دارند عملگی کنند وچنانچه لازم باشد همانند جریان سال ۸۸ نقش سربازان بیگانه را عملا ایفا نمایند.

آنجا که وزیردفاع آمریکا گفته است: «مادرایران تفنگدارانی داریم که بهرنقطه که اشاره کنیم تیرمی اندازند»، نگاه وزیر دفاع به کاربرد طوراندازی و سربازگیری برای آمریکا واسرائیل ازطریق همان عمله های ایرانی خودشان است. (مستند اظهارات شیمون پرز و نتان یاهو و وزیردفاع آمریکا، درتحریرات قبلی)

زمینه سازی برای اقدامات سیاسی ونظامی

تحول چشمگیری درسیاست آمریکا نمایان است و آن زمینه سازی برای اقدامات سیاسی ویا نظامی است تا زمینه مزبورمستندی باشد که اقدامات آمریکا براساس خواست مردم کشوری بوده که اقدامات سیاسی ویا نظامی در آن کشور صورت گرفته است.

آقای اوباما سیاست مزبور راچنین توضیح داده است: «دوستان ما باید درمشکلات سیاسی آمریکا درکشورهای دیگر، آمریکا رایاری دهند وبخشی ازسنگینی کاررابرعهده بگیرند».

آقای جان هاگل هم سیاست مزبور را یک روز بعد ازآخذ رای اعتماد چنین توضیح داده است:

«من همواره براین باوربوده ام و آنرا گوشزد کرده ام که مشکل آمریکا درسراسرجهان باید بصورت مشترک ورای زنی درامورباشد».

آمریکا برای زمینه سازی اقدامات سیاسی ونظامی درایران نیازه عوامل وایرانیانی دارد که آن زمینه را برای آمریکا مهیا سازند به نحوی که نشان دهد اقدامات آمریکا به اعتبار خواست واصرار ایرانیان صورت گرفته است، نه اینکه خود سرانه به اقدامات سیاسی ویا نظامی ویا تحریم ها ایجاد تنگنانهایی برای ملت ایران کرده است.

نمونه اول زمینه سازی برای حمله نظامی

هنگامیکه راه حل نظامی علیه ایران ازسوی آمریکا مطرح بود، ایرانیان عوامل آمریکا درخارج از کشور تلاش بسیاروسیع هماهنگی رابرای حق نشان دادن حمله نظامی آمریکا به ایران مرعی داشتند که اشاره بسیار فشرده آن برای تجهیز نمونه اول لازم است.

آقای علی میرفطروس در سلسله مقالاتی در کیهان لندن، نه تنها از حمله نظامی آمریکا به ایران دفاع کرد بلکه نسخه حمله راهم نوشت: «حمله نظامی و هوایی آمریکا باید هوشمندانه باشد» متن نسخه ایشان چنین است:

>>>>> چنین ارقام هولناکی از تلفات انسانی و خسارات عظیم اقتصادی و زیست محیطی، این سوال را باید در ذهن هر ایرانی میهن پرستی بیدار کند که خسارت یک حمله هوشمندانه به منظور کوبیدن پایگاه ها و ستاد های سرکوب جمهوری اسلامی و در نتیجه ریزش سقف ترس و تهدید و سپس خیزش مردم و سرنگونی رژیم از تلفات رانندگی و آلودگی هو اکمتر است»

(اظهارات میرفطروس بلا جواب و استیضاح نمانده و در تحریر «جواز جنگ علیه ایران» داده شده، مستند در تارنمای ۱۴۰۰ سال)^۱

آنروز که ایشان آن مقاله را نوشت، حملات هوایی هوشمندانه، نمونه ای نداشت که ما بفهمیم حملات هوشمندانه در نسخه میرفطروس یعنی چه، ولی امروز که آقای بنیامین نتان یا هو عملیات نظامی اسرائیل در غزه را عملیات هوایی و نظامی جراحی شده خواند، ما هم دانستیم که معنای حملات هوایی هوشمندانه در نسخه آقای میرفطروس برای حمله آمریکا به ایران یعنی چه و با معیار عملیات نظامی جراحی شده اسرائیل قابل تعبیر است.

عملیات نظامی و هوایی جراحی شده یعنی چه

آقای بنیامین نتان یا هو در گفتگویی با خانم کلینتون درباره عملیات غزه میگوید: «مادر غزه مشغول عملیات نظامی جراحی شده بویژه درباره مدارس، مساجد، بیمارستان ها و مردم و کودکان هستیم. قصد ما این است که شمار کشته شده ها را هر چه بیشتر افزایش دهیم و حاضر هم نیستیم که به جامعه جهانی و آمریکا جواب پس بدهیم» (از فیلم منتشر شده از سوی جاوید ایران)^۲

عملیات بسیار برای صاف کردن حمله آمریکا به ایران

نباید تصور کرد که در آن سالها که حمله نظامی آمریکا به ایران مورد بحث بود، فقط میرفطروس افکار عمومی را برای توجیه حمله آمریکا به ایران مساعد میساخت در لوس آنجلس گروهی که پرویز قاضی سعید و شرفشاهی مدیر روزنامه صبح ایران و مروتی در راس آنها قرار داشتند سخت مشوق آمریکا برای حمله به ایران و فراهم کردن حقانیت حمله آمریکا به ایران بودند و شعار ۹۹ درصد ایرانیان از حمله آمریکا به ایران حمایت میکنند و حاضرند به سربازان آمریکا جاو و خوراک بدهند سرلوحه فعالیت آنان بود.

آنقدر فعالیت آنان چشمگیر بود که یکی از سناتورهای آمریکا به کنگره گفت: «اطمینان دارد که در صورت حمله آمریکا به ایران، ایرانیان به استقبال ارتش آمریکا خواهند آمد».

^۱ - <http://1400years.org/AmirFeyz/JavazeJanMirFetros-AmirFeyz-9Nov02011.pdf>

^۲ - این فیلم تاریخی را پیاده کرده و نگاه داشته ام اگر موردی بود خواننده میتواند درخواست کند برای او فرستاده خواهد شد. -ح-ک

آیا اکنون هم از فعالیت و زمینه سازی عملیات ایرانی آمریکا برای حمله نظامی آمریکا به ایران، ملاحظاتی دیده میشود؟ البته که خیر زیرا سیاست آمریکا نسبت به ایران متحول شده و از جنگ به مذاکره تبدیل گردیده است.

عملیات ایرانی آمریکا در جهت تغییر سیاست آمریکا

با تغییر سیاست آمریکا از اقدامات نظامی به مذاکره با هدف تغییر رفتار نظام جمهوری اسلامی بجای براندازی جمهوری اسلامی، اردوی عظیم ایرانیان عمده آمریکا بسوی زمینه سازی برای مذاکره و تغییر رفتار رژیم آغاز شد.

نقش عملیات ایرانی آمریکا در سیاست مذاکره با ایران

اکنون نگاه اجمالی به نقش تازه عملیات ایرانی آمریکا خواهیم داشت تا ارتباط این تحریر با عنوان آن نزدیک شود.

سیاست مذاکره با ایران در شرائطی جریان یافته که شیخ حسن روحانی پس از ۱۰ سال برنامه ریزی زیرکانه آمریکا به ریاست جمهوری رسید. باریاست جمهوری شیخ حسن، سلطه آمریکا در ایران بالازد و به سطح رسید. سطحی که ریشه ندارد.

بنابراین سیاست کلی کنونی آمریکا در ایران ریشه دادن به سلطه ای است که بعد از ۳۰ سال آمریکا به آن رسیده است.

فعالیت عملیات آمریکا در دو جبهه

آمریکا برای تسلط کامل بر ایران در دو جبهه فعال است نخست طرح تجزیه ایران که جزئی از طرح خاورمیانه بزرگ است.

در این مورد در کتاب خاورمیانه بزرگ اظهار نظر شده است که:

«کشورهای قدرتمند منطقه از جمله ایران و ترکیه به کشورهای وابسته و بی ثبات و ناتوان در نواحی حساس چون سواحل دریای مازندران و خلیج فارس و ناحیه بصره تبدیل شوند - شیوه ایجاد این بی ثباتی در ایران از سوی غربی ها تقسیم آن کشور به مناطق کوچک با استفاده از گونه گونی قومی میباشد».

حاشیه = تطبیق ماده ۱۱ قطعنامه منتشره از سوی شورای به اصطلاح ملی! تجزیه ایران خاصه ناتوان ساختن قدرت مرکزی که ماده ۱۱ متکی بر آن شده دقیقاً منطبق با ارکان طرح خاورمیانه بزرگ است (پایان حاشیه).

اهمیت بنیادی این طرح برای آمریکا تضعیف کامل و یکپارچه ایران است که به آمریکا امکان میدهد راحت و بدون دردسر، به ریشه دوانی سلطه خود در ایران بپردازد و قطعات تجزیه شده ایران مجال تنفس سیاسی داخلی را هم به دولت نخواهند داد تاچه رسد به سیاست خارجی.

عملجات اداره این جبهه، شورای به اصطلاح ملی! است که با توطئه اخیر یعنی انتصاب اعلیحضرت به مقام ریاست، فعالیت جبهه تجزیه ایران را بفرم خاصی که انتظار نبود درآوردند که حداقل آن این برداشت است که ۱،۲۰۰،۰۰۰ نفر از ایرانیان خارج از کشور طرفدار طرح تجزیه ایران هستند شخصیتی که ظرف دو ماه سه میلیون و دویست هزار پیام روی سایت ایشان رفته و هر روز ۲۸،۰۰۰ بار مراجعه داشته پیشگام رهبری جبهه تجزیه ایران است و اینجاست که یک محقق خواهد نوشت: **<تجزیه ایران بنا بر خواست ایرانیان خارج از کشور جریان یافته است>**

(ارقام بالا از مصاحبه های اعلیحضرت گرفته شده است)

ما دلمان خوش است که فعالیت زمینه سازی برای تجزیه ایران را شورای ناپیدا! مینامیم. درست مانند آنکه وقی گله گوسفندان به قصاب خانه ها برده میشوند گوسفندان بع، بع هم میکنند.

عمله های جبهه تجزیه ایران شیادی های خاصی هم در راه زمینه سازی تجزیه ایران، بکار میبرند بغیر از گرفتن امضا از علیاحضرت و همسر اعلیحضرت در رابطه با حقانیت تجزیه ایران و نصب اعلیحضرت بعنوان ریاست بر عملجات تجزیه ایران شگرد تازه آنها این است که انتشار هم داده اند.

تصویر سی سال قبل اعلیحضرت یعنی زمانی که همه ایرانیان را زیر چتر سلطنت دعوت میکردند و خودشان را نماینده نهاد سلطنت که قرنها حافظ وحدت و یکپارچگی ایران اعلام کرده بودند را میگذارند تا ایرانیان با ملاحظه تصویر مزبور به بقیه مسائل از جمله شیادان و سر عمله های آمریکا و هدف آنها توجه نکنند.

یعنی همان الگویی که حزب توده در تشکیل خانه صلح و بیانیه معروف صلح استکهلم از نام علی اکبر دهخدا استفاده کرد.

اساسا رسم و عادت مردم این است که به سر توجّه دارند تا بدن و یا سایر مراتب سازمانی. زنهای بد کاره هم برای جلب توجه مردان به سر خود میرسند و آنرا بزک میکنند. دزدان و راهزنان هم برای اغفال مردم، زنان و کودکان را بر خ مردم عادی میکشند، تا در پشت سر آنها و در پناه مظلومیت قیافه آنها هدفشان را بدست آورند.

شورای ناپیدا! با استفاده از تصویر دوران وفاداری اعلیحضرت به تداوم اجرائی قانون اساسی و سوگند و فاداری به استقلال و تمامیت ارضی ایران در صدر، تصاویر عده ای عمله اجیر آمریکا را برای مشارکت در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در زیر آن میگذارد که بی اعتباری آنان با اعتبار سنتی اعلیحضرت پوشیده بماند.

این مهم قابل توجه است که شورای ناپیدا فعالیتش محدود به زمینه سازی برای تجزیه ایران است و برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ سازمان های دیگری از سوی آمریکا مانند «داعش» ماموریت دارند که به این تحریر مربوط نمیشود.

جبهه دوم، حفظ تحریم ها

در قسمت دوم این تحریر، به اتفاق به ملاحظاتی از آن خواهیم رفت.